در حاشیه

مردی با چشمان حادثه ساز - قسمت نهم

بازار گرم رمال‌ها و دعانویس‌ها

محمد بلوری
روزنامه‌نگار

آن روز دکتر صادقی با دقت در رفتار و حرکات جنون‌آمیز جوان بیمار مطمئن شد که در مرحله دوم بیماری هاری با بحران وضعیت روبه‌روست و لحظات پایان زندگی‌اش را می‌گذراند.

هنگام بیرون رفتن از خانه به مادر این بیمار دم مرگ گفت:

- خانم متأسفانه باید به شما خبر بدم پسرتان در حمله یک سگ هار در حاشیه جنگل به بیماری هاری مبتلا شده و با شدت این بیماری در مرحله بحرانی، آثار جنون در رفتارش نشان می‌دهد امیدی به نجاتش نیست و امروز یا فردا باید منتظر مرگش باشید. به‌همین خاطر به شما و سایر ساکنان منزل توصیه می‌کنم به او نزدیک نشوید که ممکن است در حمله‌ای ناگهانی به‌شما زخمی بزند و به ویروس هاری مبتلایتان کند. همان‌طور که به شما هشدار داده‌ام بیماری که به ویروس هاری مبتلا شد، برای نجاتش دوا و درمانی نیست. زن با شنیدن گفته دکتر صادقی با پریشان حالی به دیوار راهرو تکیه داد، با دو دست برسر زانوهایش کوبید و با نگاهی غمزده به سقف به گریه افتاد. آنگاه با لحن التماس‌آمیز گفت:

- آقای دکتر دستم به دامن‌تان این تنها پسرم است او را با نذر و التماس به درگاه خداوند به‌دنیا آورده‌ام و به جان و دلم بسته است اگر امیدی به نجاتش هست و درمانش هم در کوه قاف پیدا می‌شود حاضرم با پای پیاده راه بیفتم و با همه دارو ندارم معالجه‌اش کنم. شما را به خدا قسم بگویید...

دکتر صادقی با تأسف سر تکان داد و گفت:

- نه مادر، برای بیماران هاری آن هم در این مرحله هیچ امیدی به زنده ماندن نیست. ضمناً حالت جنون آمیزش نشان می‌دهد شاید تا فردا زنده نماند. در این صورت فردا به من یا دستیارم آقا سهراب در درمانگاه مراجعه کنید و گواهی فوت را بگیرید تا در دفن مرده دچار مشکل نشوید. اگر هم نبودم گواهی فوت را می‌نویسم و به آقا سهراب می‌سپارم. فعلاً خداحافظ، خداوند به شما صبوری بدهد. نیمه‌شب بود که مادر با شنیدن سر و صدایی که از اتاق پسر به بند کشیده‌اش می‌آمد هراسان خودش را به پشت در اتاق رساند، صورتش را که به شیشه در چسبانده، در روشنی یرقانی و لرزان فانوسی روی تاقچه، پسرش را دید که با صورتی خون آلود و پیشانی شکافته سر به سفیدی دیوار می‌کوبد، کف اتاق می‌افتد، با ناخن انگشتانش کف زمین را می‌خراشد و آنگاه زوزه‌کشان چون حیوانی زخمی برمی‌خیزد و دوباره سر به دیوار می‌کوبد، آنگاه بر کف اتاق می‌خزد. مادر که تاب دیدن چنین صحنه دلخراشی را نداشت، پای در اتاق زانو زد و با هق‌هق سینه، شانه‌هایش از گریه تکان خورد.

سپیده سحری زده بود که هراسان از خواب پرید و جنازه پسرش را دید که با نگاهی یخ‌زده رو به سقف مرده است. آفتاب تازه دمیده بود که چادرش را سرش کرد و از خانه بیرون رفت تا پیش از آنکه همسایه‌ها و بعد مردم آبادی از مرگ پسرش باخبر شوند، با گرفتن جواز دفن از درمانگاه جنازه را به گورستان انتقال بدهد. چون می‌ترسید مردم خرافاتی با شنیدن خبر مرگ پسرش به خانه‌اش هجوم بیاورند و با این باور که شیطان به جلدش رفته مانع خاکسپاری‌اش در گورستان شوند و جسدش را به شیوه خرافاتی‌شان بسوزانند که چندبار در گذشته با اجساد مردگان چنین کرده‌اند.

■ ادامه دارد

اجیرکردن ۳ مرد برای سرقت طلاهای مادرزن

گروه حوادث/ مهندس جوان که نمی‌توانست از پس مخارج سنگین مراسم عروسی‌اش بربیاید، نقشه سرقت طلاهای مادر و مادربزرگ نامزدش را طراحی کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل خرداد امسال، زن میانسالی هراسان با پلیس تماس گرفت و از سرقت طلاهایش خبر داد. وقتی مأموران به خانه ویلایی در شمال پایتخت رسیدند با بهم ریختگی خانه و داماد مجروح این خانواده روبه‌رو شدند. صاحبخانه که زن میانسالی بود در تحقیقات به مأموران گفت: چند روزی است که مادرم به میهمانی خانه ما آمده است. نامزد دخترم هم خانه ما بود و می‌خواستند برای خرید به بازار بروند. ناگهان زنگ خانه به صدا درآمد و مرد جوانی خود را مأمور شرکت گاز معرفی کرد. او ادامه داد: مثل همیشه در را باز کردم و با خودم گفتم بعد از خواندن کنتور در را می‌بندد و می‌رود اما در کمال تعجب لحظاتی بعد سه مرد جوان در آپارتمان را باز کردند و با تهدید ما را به گوشه‌ای از خانه بردند. آنها دست و پای دامادم را بستند و او را با چاقو زخمی کردند. مردان خشن طلا و جواهرات و پول هایمان را می‌خواستند و ما هم از ترس جانمان هر چه وسیله با ارزش داشتیم به آنها دادیم. مادرم چون تنها زندگی می‌کند طلاهایش را در خانه من گذاشته بود و سارقان حتی طلاهای قدیمی و با ارزش مادرم را که میهمان خانه‌مان بود نیز سرقت کردند. ارزش طلاهایی که سرقت کردند بیش از دویست میلیون تومان بود.

■ **ردپای یک آشنا**

بررسی‌ها نشان می‌داد سه سارق خشن با خانه آشنایی کامل داشته‌اند بنابراین احتمال اینکه یکی از اعضای خانه اطلاعات را به آنها داده باشد بررسی شد. کارآگاهان پلیس به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت پرداختند. اما بررسی دوربین‌های مداربسته به غیراز چهره متهمان، اطلاعات دیگری در اختیار تیم تحقیق قرار داد. بازبینی دوربین‌ها نشان می‌داد که چند ساعت قبل از سرقت، داماد خانواده که پوریا نام داشت، در حال گفت‌وگو با یکی از سارقان ناشناس بوده است.

■ **دستگیری داماد خانواده**

بعد از دستگیری پوریا، وی به همدستی با سارقان اعتراف کرد و بدین ترتیب به دستور بازپرس رضا بهشتی داماد جوان بازداشت شد.

با اعتراف پوریا، سه همدست او نیز دستگیر شدند و مقداری از طلاها کشف شد. مقدار دیگری از طلاها نیز توسط سارقان فروخته شده بود که بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت دستور شناسایی مالخر این طلاها را صادر کرد.

■ **گفت‌وگو با داماد سارق**

چرا با سارقان همدستی کردی؟

چاره‌ای نداشتم. زیاده خواهی خانواده همسرم و بی‌پولی من باعث شد که نقشه سرقت را طراحی کنم وگرنه من با ۲۷ سال سن تا به حال دست از پا خطا نکردم و اگر این فشارها نبود بازهم همان زندگی سالم خودم را ادامه می‌دادم.

مگر خانواده همسرت چه می‌خواستند؟ مدتی است که با فتانه عقد کرده‌ام و هر بار که صحبت ازدواج می‌شد مادرزنم می‌گفت باید بعد از کرونا و باز شدن تالارها و باغ‌ها، یک عروسی مجلل بگیری ما جلوی فامیل و آشنا آبرو داریم. اما با این شرایط مالی بد و بی‌پولی من چطوری می‌توانستم در باغ عروسی مجلل بگیرم. من به‌عنوان مهندس در یک شرکت خصوصی کار می‌کنم و حقوقم کفاف زندگی معمولم را نمی‌دهد چطوری می‌توانستم این همه هزینه کنم.

حالا چرا از مادر و مادر بزرگ همسرت به فکر سرقت افتادی؟ من که سارق نیستم، اما دیده بودم که مادر و مادربزرگ فتانه کلی طلا دارند. فکر کردم با فروش آن طلاها یک عروسی در خور شأن و شخصیت خانواده همسرم بگیرم.

سارقان را از کجا می‌شناختی؟

آنها سارق نیستند سه تا از بچه محل‌هایمان هستند وقتی به آنها گفتم از طلاها، شما هم سهمی می‌برید، قبول کردند. صبح روز حادثه به محل سرقت آمدند و من برایشان توضیح دادم که به غیر از من و همسرم و مادر و مادربزرگ فتانه کسی در خانه نیست. ساعت‌هایمان را مثل فیلم‌های خارجی باهم چک کردیم و نقشه سرقت را مرور کردیم.

پشیمانی؟ معلوم است که پشیمانم. آبرویم رفته است. باور کنید دلم نمی‌خواست چنین اتفاقی بیفتد اما هیچ راهی وجود نداشت.

متهم از ترس کرونا به دادگاه نیامد

گروه حوادث/ یکی از اشرار گروهک‌های تروریستی و معاند نظام که سال‌ها پیش در جریان یک درگیری مسلحانه یکی از مأموران وزارت اطلاعات را مجروح کرده بود، به بهانه ترس از کرونا در دادگاه حاضر نشد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۷۹ آغاز شد. بیست سال پیش مأموران وزارت اطلاعات از ورود یک گروهک تروریستی به داخل کشور با قصد بمب‌گذاری مطلع شدند و کار تحقیقاتی و شناسایی اعضای این گروهک را آغاز کردند و در یک عملیات موفقیت‌آمیز همه اعضای این گروهک معاند و خرابکار را دستگیر کردند. اما در این عملیات یکی از سربازان گمنام به فیض شهادت نائل آمد و یکی دیگر هم مصدوم شد که پس از انجام امور درمانی پزشکان اعلام کردند که او فلج شده است. اعضای این گروه پس از دستگیری در دادگاه انقلاب محاکمه و با احکام مختلفی روبه‌رو شدند.

متهم این پرونده که باعث فلج شدن این مأمور شده بود در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد اما پس از درخواست عفو، موضوع در کمیسیون عفو مورد بررسی و موافقت قرار گرفت و با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد.

این متهم که در حال حاضر در زندان رجایی شهر دوران محکومیتش را می‌گذراند بایست صبح دیروز در شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران از اتهام دیگر خود مبنی بر شلیک به مأمور و فلج کردن وی دفاع می کرد که به بهانه شیوع کرونا و احتمال به خطر افتادن سلامتی‌اش از حضور در دادگاه امتناع کرد. البته متهم در اظهاراتش عنوان کرده که وی عامل شلیک به مأمور مصدوم نبوده و هرگونه تیراندازی را انکار کرده است. رسیدگی به این پرونده با حضور نیافتن این متهم با نظر قاضی شعبه ۷ به روز دیگری موکول شد.

جریمه ۸۰۰ میلیون تومانی پزشک متخلف

گروه حوادث/ پزشک متخلف که به بهانه کارگذاشتن پلاتین در بدن بیماران از آنها مبالغ هنگفتی می‌گرفت به جریمه ۸۰۰ میلیون تومانی و ۴ سال ممنوعیت از کار پزشکی محکوم شد. به‌گزارش سازمان تعزیرات حکومتی، این پزشک جراح با شکایت ۴۴ بیمار به اتهام تقلب، صدور صورت حساب غیرواقعی و دریافت پول مازاد بر تعرفه پزشکی تحت پیگرد قانونی قرار گرفت.

سیدیاسر رایگانی، سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی در این رابطه اظهار کرد: با هوشیاری مسئولان بیمارستان و گزارش معاونت دانشگاه علوم پزشکی، تخلف یک پزشک به تعزیرات حکومتی اعلام شد.

وی افزود: در بررسی پرونده‌های درمانی مشخص شد هزینه صورتحساب پلاتین‌هایی که این پزشک از بیماران دریافت می‌کرده در مقایسه با عکسبرداری مواضع عمل جراحی (شانه) تعداد ۴۴ بیمار مغایرت داشته و بر همین اساس پزشک مذکور و مدیرعامل شرکت تأمین‌کننده پلاتین‌ها محکوم شدند.

سخنگوی سازمان تعزیرات خاطرنشان کرد: پزشک متخلف و مدیرعامل این شرکت به پرداخت ۸ میلیارد و ۸۷۴ میلیون ریال جزای نقدی محکوم و همچنین پزشک به ممنوعیت شغل پزشکی به مدت ۴ سال و ممهور کردن پروانه پزشکی به مهر تخلف مرتبه اول و بازگرداندن مبالغ اضافه دریافتی به شاکیان و بیماران به مبلغ ۳۴۴ میلیون تومان محکوم شد.

محاکمه مرد فریبکار که طلاهای دختر بیمار را ربود

گروه حوادث/ مرد جوان که متهم است با فریب یک دختر بیمار روانی طلاهای او را ربوده، صبح دیروز در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران منکر سرقت طلاها شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با شکایت مردی به پلیس مبنی بر ناپدید شدن دخترش و سرقت طلاهای او آغاز شد.

وی در توضیح ادعایش عنوان کرد: پریسا دخترم به بیماری اختلال دوقطبی مبتلا شده بود و به همین خاطر چندباری او را در بیمارستان روانی بستری کرده بودیم تا اینکه روز گذشته وقتی از سر کار به خانه برگشتم، دیدم او در خانه نیست و طلاها و پول‌های نقد هم به سرقت رفته است؛ به هرجایی که فکر می کردیم سر زدیم و تماس گرفتیم اما از او خبری نبود و حالا نگران حالش هستیم.

پس از ثبت شکایت، مأموران تحقیقات شان را برای یافتن پریسا آغاز کردند تا اینکه در بررسی آخرین مکالمات تلفن همراهش پی بردند که او با مرد جوانی به نام پیمان در ارتباط بوده است. در ادامه مأموران موفق شدند پریسا را پیدا کنند. این دختر جوان وقتی در برابر مأموران پلیس قرار گرفت مدام اظهارات ضد و نقیضی را مطرح کرد تا اینکه با اصرار خانواده اش او به بیمارستان روانی منتقل شد.

تا اینکه چند روز بعد مسئولان بیمارستان به خانواده پریسا خبر دادند که او از بیمارستان فرار کرده است و به این ترتیب تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد و پلیس که احتمال می داد پیمان در ماجرای فرار پریسا از بیمارستان نقش داشته باشد موفق شد نشانی خانه مادر متهم در یکی از شهرستان‌ها را شناسایی کند. مادر پیمان به مأموران گفت: چند روز قبل پسرم پیمان با دختر جوانی به خانه‌ام آمدند و ۳ روز پیش من ماندند تا اینکه به صورت اتفاقی از پنجره اتاق دیدم که پسرم با پریسا در حال پنهان کردن کیسه ای حاوی طلا و پول در باغچه خانه هستند که وقتی علت ماجرا را از پیمان پرسیدم جواب درستی به من نداد.

پس از اظهارات این زن، مأموران پیمان و پریسا را دستگیر و به تهران منتقل کردند. پیمان که متهم به آدم ربایی و سرقت بود از همان ابتدا اتهاماتش را انکار کرد و گفت: پریسا از بیمارستان با من تماس گرفت و خواست تا به دنبالش بروم. من هم چون دلم برایش سوخت به دنبالش رفتم و پس از آن هم چند روزی باهم به شمال کشور رفتیم تا قدری آرام شود و بعد از آن هم او را به خانه مادرم بردم تا اینکه مأموران دستگیرمان کردند.

پریسا هم در توضیحاتش گفت: من با پیمان در اینستاگرام آشنا شدم و او وقتی فهمید که به لحاظ روانی بیمار هستم تلاش کرد اعتمادم را جلب کند و در ادامه هم با فریب من، طلاها و پول‌های نقدی که در خانه داشتیم را سرقت کرد اما حالا که گرفتار شده منکر همه ماجرا شده است.

بعد از توضیحات این پسر و دختر جوان، پیمان به اتهام آدم‌ربایی و سرقت روانه زندان شد و پرونده بنا به نظر پزشک معالج پریسا که وی مبتلا به بیماری اختلال دوقطبی است به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز جلسه دوم دادگاه آنها برگزار شد.

در ابتدای جلسه و پس از قرائت کیفرخواست متهم پرونده با تکرار ادعاهای قبلی اش گفت: من هیچ سرقتی انجام نداده ام و پریسا را هم ندزدیدم همه این اتفاق‌ها با برنامه‌ریزی‌های او صورت گرفته و خودش هم با من همراه شد. حتی خود او به من گفت که از بیمارستان فرار کرده و من به دنبالش بروم. به واقع من برای طلا و پول به دنبال او نرفتم من رفتم تا از او مراقبت کنم. در ادامه نظریه پزشکی قانونی قرائت شد که در آن عنوان شده بود پریسا بیمار روانی است و باید تحت مراقبت باشد.

در ادامه این جلسه و براساس مستندات و نظریه پزشکی قانونی قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

جعل مدرک تحصیلی با ۱۰ میلیون تومان

گروه حوادث/ ۴ عضو یک باند جعل که با دریافت ۵ تا ۱۰ میلیون تومان برای متقاضیان مدرک تحصیلی و نظام وظیفه جعل می‌کردند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش پلیس، سرهنگ «سعید راستی» رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی پایتخت، در تشریح جزئیات این خبر گفت: یکی از نهادهای دولتی در تماس با پلیس از ارائه مدرک جعلی از سوی فردی به آن نهاد شکایت کرد. مأموران بلافاصله با دریافت این شکایت، بررسی موضوع را در دستور کار قرار دادند.

شاکی اظهار داشت، فردی با در دست داشتن گواهی موقت پایان تحصیلات دوره پیش دانشگاهی در خواست تأیید اصالت مدرک مذکور را داشته ولی در بررسی ارکان و اصالت مدرک مشخص شد مدرک جعلی و فاقد اصالت است.

این مقام پلیسی ابراز داشت: با توجه به حساسیت موضوع، مأموران پس از انجام تحقیقات فنی دریافتند فرد مورد نظر بدون اینکه در جلسات کلاس‌های درسی و امتحانات شرکت کند از طریق آشنایی با یک جاعل مدرک تحصیلی جعلی را در قبال پرداخت پول تحویل گرفته و برای تأیید گواهی موقت به یک از نهادهای دولتی مراجعه کرده است. وی بیان داشت: مأموران پس از تحقیقات تکمیلی از متهم و انجام کار فنی و اطلاعاتی به این نتیجه رسیدند که یک باند چندنفره در چند استان کشور این فعالیت مجرمانه را به‌صورت کاملاً حرفه‌ای و در شبکه گسترده انجام می دهند و در قبال دریافت مبالغ هنگفتی از متقاضیان مدارک تحصیلی به آنها مدرک جعلی تحویل می دهند.

این مقام انتظامی با بیان اینکه مخفیگاه احدی از جاعلان در حوالی محله «اتابک» و سه نفر دیگر در استان‌های فارس و قم شناسایی شد، گفت: با هماهنگی‌های قضایی و دریافت نیابت قضایی روز یکشنبه در چند عملیات ضربتی و هماهنگ ۴ عضو این باند در تهران، استان فارس و شهر قم در مخفیگاهشان دستگیر شدند. متهمان در بازجویی تکمیلی اظهار داشتند با دریافت مبالغی بین ۵۰ الی ۱۰۰ میلیون ریال از متقاضیان برای آنها مدرک تحصیلی و سایر مدارک جعلی صادر می‌کردند.

وی با اشاره به اینکه در بازرسی از مخفیگاه متهمان، تعداد زیادی مدارک تحصیلی جعلی اعم از مدارک دانشگاهی- تحصیلی - نظام وظیفه و فنی حرفه‌ای و همچنین تعداد ۲۵ مهر مربوط به نهادها و ارگان‌های دولتی کشف شد.

شماره مجوز: ۱۳۹۹/۱۰۵۸

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۹۹/۰۱۴/ات

اجاره یک فروند شناور یدک‌کش ASD جهت ارائه خدمات در مناقصه عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق‌الذکر اقدام نماید:

الف: شرح مختصر خدمات: اجاره یک فروند شناور یدک‌کش ASD جهت ارائه خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

ب: محل اجرای خدمات: مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران در آب‌های خلیج فارس

ج: مدت خدمات: دو سال

سایر موارد که می‌بایست مدنظر قرار گیرد:

۱ توانایی ارائه ضمانت‌نامه «شرکت در مناقصه» به مبلغ ۵۲۵ / ۴۲۳ / ۱۳ ریال برای مناقصه‌گران ایرانی و ۵۴۱ / ۸۵ یورو برای مناقصه‌گران غیر ایرانی

۲ توانایی ارائه ضمانت‌نامه «انجام تعهدات» به میزان ۱۰% مبلغ کل قرارداد، طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن.

۳ به تقاضاهای مشروط، مبهم، ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در اسناد و مدارک و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴ شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار خواهد بود.

۵ پیشنهادات مالی می‌بایستی حداقل سه ماه پس از گشایش پاکات مالی دارای اعتبار و قابل تمدید برای یک دوره دیگر باشند.

۶ کسب حداقل امتیاز تعیین شده در ارزیابی کیفی، جهت دعوت در مناقصه فوق‌الذکر الزامی است.

از کلیه متقاضیان واجدشرایط دعوت می‌شود تا حداکثر ظرف یک هفته پس از انتشار آگهی نوبت دوم، با همراه داشتن معرفی‌نامه معتبر به آدرس ذیل مراجعه و حضوراً نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی اقدام نمایند.

ضمناً بایستی ظرف مدت ۱۴ روز پس از آخرین مهلت دریافت مدارک ارزیابی کیفی اطلاعات مورد درخواست به آدرس ذیل تحویل گردد. محل و زمان تحویل و گشایش پیشنهادها در اسناد مناقصه قید می‌گردد.

نشانی محل اعلام آمادگی و تحویل اسناد ارزیابی کیفی: تهران، خیابان ولی‌عصر، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان تورج، خیابان خاکزاد، شماره ۱۲، شرکت نفت فلات قاره ایران، طبقه ۵، امور قراردادها، تلفن ۰۲۱-۲۳۹۴۲۵۱۰

تبصره: متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در روز آگهی نوبت دوم به سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین (سهامی خاص)

فراخوان شناسایی مشاور - شماره ۹۹/۰۲ (نوبت اول)

شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین در نظر دارد از شرکت‌های خدمات مشاوره و سایر شرکت‌هایی که تجربه کاری در پروژه‌های مشاوره در خصوص کاهش پیک مشترکین برق دارند برای انجام خدمات اجرایی طرح افزایش مشارکت مشترکین برق خانگی و تجاری در کاهش پیک و پاسخگویی بار دعوت به همکاری نماید. شرکت‌های فوق می‌توانند اسناد ارزیابی کیفی را از تاریخ درج آگهی نوبت دوم روز شنبه مورخ ۹۹/۰۳/۱۷ به مدت ۵ روز کاری (روز پنجشنبه مورخ ۹۹/۰۳/۲۲) با مراجعه پورتال شرکت توزیع برق استان قزوین به نشانی www.Qazvin-ed.co.ir نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

آخرین مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی تکمیل شده تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۴/۰۱ می‌باشد.

نشانی تحویل اسناد: قزوین تقاطع ولیعصر (عج) ابتدای خیابان طالقانی طبقه همکف دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین می‌باشد.

این آگهی به منظور ارزیابی کیفی انتشار یافته و پس از ارزیابی از متقاضیان واجد شرایط طی مراحل بعدی دعوت به‌عمل خواهد آورد ضمناً در قبال ارائه مدارک ارزیابی وجهی دریافت نخواهد شد به مدارک و اسناد فاقد امضاء، مخدوش، غیرمستند و مدارکی که بعد از انقضاء مهلت قید شده در آگهی واصل شوند ترتیب اثر داده نخواهد شد بدیهی است ارائه مدارک هیچ گونه حقی را برای متقاضیان جهت دعوت به ارائه پیشنهاد ایجاد نخواهد کرد.

ضمناً دسترسی به اسناد از طریق شبکه اطلاع‌رسانی توانیر امکان پذیر می‌باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد ارزیابی کیفی مندرج است.

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع برق استان قزوین